

ایرای کمر بند

گزیده‌ی «رباعی» و «دوبیتی»

حسن اسدی «شبدیز»

www.ketab.ir

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : اسدی، حسن، ۱۳۳۴ -
اپرای کمر بند: گزیده‌ی «رباعی» و «دوبیتی» / حسن
اسدی «شیدیز»
مشخصات نشر : تهران: تدبیر روشن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۹۶ ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۷۳-۱۶-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : شعر فارسی- قرن ۱۴
رده بندی کنگره : PIR ۷۹۵۳ ۱۳۹۳ ۲ الف ۴۵ س/
رده بندی دیویی : ۶۲/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۲۲۵۵۹



تدبیر روشن

اپرای کمر بند

(گزیده‌ی رباعی و دوبیتی)

حسن اسدی (شیدیز)

انتشارات تدبیر روشن / تهران

چاپ اول / ۱۳۹۳ شمارگان: ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۷۳-۱۶-۰

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

رباعی

۱۲	مقدمه
۱۹	خواب جاودان
۲۰	دار عشق
۲۰	هاله
۲۱	کعبه
۲۱	الهه
۲۲	تبسم
۲۲	برکه‌ی شب
۲۳	زیبایی ناز
۲۳	ساز
۲۴	شهید گمنام
۲۴	پیوند

۲۵	در بستر
۲۵	جرس
۲۶	آن دوست
۲۶	پره‌های شکسته
۲۷	تاج غزل
۲۷	دریای شراب
۲۸	شعر
۲۸	پیغمبر دل
۲۹	قتل
۲۹	خوب سره
۳۰	خوشبای
۳۰	اندیشه
۳۱	زورق
۳۱	جلوه
۳۲	فریاد
۳۲	ناله
۳۳	باران
۳۳	برکه
۳۴	پردگی
۳۴	پاییز
۳۴	از دست تو
۳۵	حسرت زده
۳۶	تیر
۳۶	فاصله
۳۷	پیاله
۳۷	فاجعه

۳۸		سبو
۳۸		قربانی
۳۹		بید و باد
۳۹		عروس ماه
۴۰		آ از همدلی
۴۰		یوان
۴۱		لرزه
۴۱		سنگ باد
۴۲		شکوفه
۴۲		فریاد بلند
۴۳		بابک
۴۳		آرزو
۴۴		پرواز
۴۴		شبنم
۴۵		لرزه
۴۵		ای چرخ
۴۶		سایه ی غم
۴۶		غار
۴۷		خاطره
۴۷		پیراهن عشق
۴۸		سایه ی گیسو
۴۸		شور آواز
۴۹		گریه
۴۹		شراب
۵۰		خانه ی خیال
۵۰		زانوی دل

۵۱	هنگامه
۵۱	معرکه
۵۲	کهنه سوار
۵۲	انگشت نسیم
۵۳	جلوه عشق

دویتی

۵۵	لبخنا
۵۶	مهاب و ریا
۵۶	بازی شیشه
۵۷	گل مهتاب
۵۷	گوهر
۵۸	ریا
۵۸	ننگ
۵۹	فصل گل
۵۹	سبوی تشنه
۶۰	مرگ شاعرانه
۶۰	کلید
۶۱	مرغ عشق
۶۱	تصویر
۶۲	بانوی مهتاب
۶۲	یغما
۶۳	آینه
۶۳	پرستو
۶۴	جان افشانی

۶۴	چراغ حُسن
۶۵	رقص در آتش
۶۵	خیال
۶۶	خنجر
۶۶	زباپرست
۶۷	پیمان
۶۷	بزم روسپیدی
۶۸	نوس
۶۸	وفا
۶۹	آهنگ سکون
۶۹	مشعل
۷۰	خیال
۷۰	زخم
۷۱	عشق پیری
۷۱	دشت احساس
۷۲	آزار
۷۲	بی وفایی
۷۳	آفریدن
۷۳	مرهم
۷۴	درمان
۷۴	گناه
۷۵	غنیمت
۷۵	تنبل
۷۶	باران
۷۶	توفان
۷۷	احساس

۷۷	بازرجه
۷۸	بی‌پناه
۷۸	غروب
۷۹	خزان
۷۹	نگاه
۸۰	کوه غم
۸۰	گل فراموشی
۸۱	میهن
۸۱	نوا نس
۸۲	نوجوانی
۸۲	عطش
۸۳	نوجوانی
۸۳	آتش اشک
۸۵	ایرای کمر بند

زندگینامه

حسین سیدی «شیدیز» در سال ۱۳۳۶ در شهرستان سراب آذربایجان شرقی زاده شد، که در زمستان بار سنگین برف و عذاب سرما، سلابت خانه‌هایش را می‌فرساید و در تابستان خنده‌ی لاله‌های وحشی، گت‌تری دامانش را می‌آراید. پابه عرصه‌ی زندگی نهاد و در کج‌جای‌های ساکت و غم‌آلود شهرش که مظهر فقر و حرمان بود با احساس کودکانه پا گرفت و بزرگ شد بعد از اتمام تحصیلات دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تبریز و در سال ۱۳۵۸ در رشته‌ی بیولوژی (زیست‌شناسی) با مدرک لیسانس فارغ‌التحصیل شد. پس از سه سال تدریس در دبیرستانهای سراب به تهران انتقال یافت و فعالیت مطبوعاتی خود را که از دوره‌ی دبیرستان آغاز کرده بود وسعت بخشید و با اکثر مطبوعات و نشریات کشور همکاری تنگاتنگی را آغاز کرد.

ایشان از کلاس چهارم ابتدایی سرودن شعر را آغاز کرد و با راهنمایی استادان دلسوز، با دقایق و ظرایف شعرهای متقدمان آشنا شد پس از سیر در کوچه باغ شعر گرانسنگ قدیم به مطالعه‌ی آثار معاصران روی آورد و از سال ۱۳۵۳ که

دانش آموزی بیش نبود شعرهای خود را در اکثر نشریات کشور به چاپ رسانید و از همان دوره‌ی نوجوانی به عنوان یکی از شاعران کم گوی و گزیده گوی در اکثر مجلات و روزنامه‌ها مطرح شد.

در سال ۱۳۵۷ در ابتدای جوانی قسمتی از آثار چاپ شد، در مطبوعات را، با صلاح‌دید و تشویق اساتید دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز گردآوری و در مجموعه‌ای به نام «شباب در بلاد» توسط «انتشارات داورپژ» منتشر کرد که در کمال سیرت یکی از مجموعه‌های موفق آن روزگار شد.

در سال ۱۳۶۵ از تهران به شهر خودش بازگشت و بعزت پاره‌ای از مشکلات گوشه‌ی خلوت اختیار کرد و از مطبوعات برید.

در سال ۱۳۷۱ در سیر مجموعه‌ی شعر خود را تحت عنوان «تیشه‌ی عشق» توسط «انتشارات یاران» به زیور طبع آراست که با استقبال بسیار گرم روبرو شد.

در سال ۱۳۷۸ مجموعه‌ی شعری بنام «صدای شیون گلها» که حاوی غزلیات و چهارپاره‌های شاعر جوان چاپ و منتشر شد.

در اوایل سال ۱۳۸۰ مجموعه شعری بنام «درفش آتش» شامل شعرهای نیمایی و طرح‌های کوتاه شاعر توسط «نشر دالغا» چاپ و منتشر شد.

در اواخر سال ۱۳۸۰ مجموعه شعری تحت عنوان «گونش پیاله‌سی» یعنی «پیاله‌ی خورشید» شامل شعرهایی به

زبان مادری شاعر (ترکی) همراه با ترجمه به فارسی اشعار توسط «انتشارات دالغا» چاپ و منتشر شد.

از آثار دیگر «شبدیز» دو مجموعه‌ی با عناوین «گتتمک ایسته بیوسن» (اگر آهنگ رفتن داری) و «یان‌دیر اکتوبلاریمی» (نامه‌هایم را بسوزان) از اشعار شاعر بزرگ آذربایجان «نصرت کسمنلی» می‌باشد که با قلم بسیار زیبا و روان «شبدیز» به فارسی برگردانده شده است. و نیز مجموعه‌ی شعری تحت عنوان «بالتاسی» (صدای تبر) که از اشعار شاعر دیگر آذربایجان «فوکرت قوجا» می‌باشد با نثری شعرگونه با قلم «شبدیز» از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده است.

ایشان در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید: «ایکاش به همه‌ی زبان‌ها مسلط بودم تا از نسیم گل‌های اندیشه‌ی جهانیان سرمست می‌شدم این کاش می‌توانستم شیرهی جانبخش ادبیات سرزمینم را در آوند گل‌های ادب جهان جاری سازم چرا که زبان هنر، زبان همه‌ی انسان‌ها است.»

قسمتی از ترجمه‌ها و شعرهای ترکی این شاعر در جمهوری آذربایجان چاپ و منتشر شده است..
زندگینامه و برخی از شعرهای شبدیز در معتبرترین مجله‌ی ادبی ایتالیا - «Punto di vista» شماره‌ی ۴۴ آوریل ۲۰۰۵ - چاپ شده است.

از آثار دیگر این شاعر مجموعه شعری است به نام «بابک گل» حاوی طرح‌های کوتاه و شعرهای نیمایی شاعر است که در سال ۱۳۸۱ چاپ و منتشر شد.

آخرین اثر «شبدیز» مجموعه‌ی برگزیده‌ی غزل‌ها بنام «ریشه در عطرش» در اسفند ۸۹ توسط انتشارات «فصل پنجم» چاپ و منتشر شد.

و هم اکنون سرگرم گردآوری و تنظیم شعرهای نیمایی و چهارپاره‌ها می‌باشد که در دو مجموعه‌ی جداگانه چاپ و منتشر خواهد شد.

شبدیز در انواع قالب‌ها شعر امروز مثل غزل، مثنوی، رباعی، هجری، چهارپاره، شعر آزاد و طرح‌های کوتاه، آثار گرنسنگی خلق کرده که مضامین ژرف، مفاهیم بلند، ترکیبات زیباترین و آه‌هایی که حاصل آفرینش خود اوست صاحب‌نظران را به حیرت وامی‌دارد او خیال و اندیشه را در دنیای آفرینش اثباتش به بندمت گرفته است.

اشعار ترکی او سیر از این خصوصیات و ظرایف و دقایق شعری سرشار است و موسیقی کلام در لابلای ابیاتش موج می‌زند. در ترجمه‌ی اشعار ترکی به فارسی او نکته‌ای وجود دارد که مایه‌ی شگفتی و اعجاب است. اگر این نکته است که وقتی شعر ترکی را به فارسی ترجمه می‌کنند اصل این است شعری دیگر با حفظ همان محتوا می‌سراید بطوریکه می‌توان گفت نه ترجمه، بلکه اشعاری جداگانه انداخته و در آن حال امانت‌داری.

با غور در اشعار شبدیز به نکات ستایش‌برانگیزی می‌رسیم که این نکات خود از نقاط عطف رسالت هنر و ادب بویژه شعر می‌باشند. شعر شبدیز از سطح سلیقه و ادراک مخاطب عوام بسی فراتر است. وی در عین باور به رسالت و

تعهد اجتماعی هنر و ادبیات به شعری که عموم مردم مخاطب آن باشند و به بیانی واضح به شعر عامه‌پسند به مفهوم هم‌سطحی با شعور عوام اعتقادی ندارد. ایشان در میزگردی که در یکی از نشریات ترتیب داده شده بود می‌گوید: «درست است که ما در شعر از دردهای جامعه می‌گوییم و باید هم بگوییم اما جنبه‌ی دیگری را هم باید در نظر گرفت و آن رمالت هنر به آن عروج و اعتلای بیشتر و ارزش والای خود هنر است پس همیشه نمی‌توان سطح هنر و بویژه شعر را در سطح شعور مردم می‌که حتی دیوان حافظ را ورق هم نمی‌زنند و اطلاعی از طراوت و دقایق و زیبایی‌های نهفته در شعر را ندارند پایین آورد.»

شعر شب‌دیز توانای شعور است. آگاهی، عصیان، جستجوی فضاهای تازه و نو، امید، حرمان، وصلت، دردها، چاره‌اندیشی به زخمهای گمنامی جامعه و... چون روحی هستند که در کالبد آثار این شاعر محسوس جلودانه دارند.

اینک در مجموعه‌ی «اپرای کمر بند» شاعر، گذر از گلدشت شعر فاخر دیروز و گردش در باغ آفرینش شعر امروز، صلابت و ظرافت و رموز و رمزواره شعر گذشته را با زیبایی و تصویرسازی که لازمه‌ی شعر معاصر است درهم آمیخته تا رباعی‌ها و دوبیتی‌های شور آفرین و تأمل برانگیزی را به نظاره بنشینیم.

«کارشناس ارشد ادبیات فارسی» - احمد قلیزاده
شاعر، منتقد و مدرس